



Interdisciplinary Legal Research

Jun 2025, 6(1): 35-49

Available online on: www.ilrjournal.ir

e-ISSN:2717-1795

ORIGINAL RESEARCH PAPER

Legal Examples and Psychological Foundations of Male Headship over the Family

Leila Javanmard¹, Khadijeh Fouladvand², Fatemeh Ali Hosseini^{3}* 

Received:

14 Feb 2025

Revised:

15 Mar 2025

Accepted:

18 Mar 2025

Available Online:

21 Mar 2025

Abstract

Background and Aim: The family is the most original social institution in society, which has been somewhat affected by social changes over time. However, since ancient times, power and leadership over the family have always been the most important feature of this important institution that can be studied.

Materials and Methods: The research method in this article was descriptive-analytical.

Ethical Considerations All ethical principles have been followed in writing this article.

Findings & Conclusion: The discussions of this study show that according to the law, the headship of the family as a social duty to consider the welfare of the family and support its members is the responsibility of the man, and the reason for this is generally the different characteristics of the man and the payment of alimony and the provision of expenses for family members and the necessity of his permission and the rights that the law has provided for him as the head of the head. Also, in terms of psychology, based on the existence of some inherent traits in men, such as a sense of responsibility, authoritarianism, etc. Men are considered a more suitable option for the head of the family, and this issue will not be unrelated to the feeling of satisfaction with life and mental peace of the family members.

Keywords:

Woman, Man, Leadership, Family.

1 Assistant Professor, Department of Law, University of Lorestan, Khoramabad, Iran.

2 Assistant Professor, Department of Psychology, University of Lorestan, Khoramabad, Iran.

3 M.A, Department of Law, University of Lorestan, Khoramabad, Iran. (Corresponding Author)*

Email: falihosseini07@gmail.com Phone: +98000000000

Please Cite This Article As: Javanmard, L; Fouladvand, Kh & Ali Hosseini, F (2025). "Legal Examples and Psychological Foundations of Male Headship over the Family". *Interdisciplinary Legal Research*, 6 (1): 35-49.



This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0)

مصادیق حقوقی و مبانی روان‌شناسی ریاست مرد بر خانواده

لیلا جوانمرد^۱، خدیجه فولادوند^۲، فاطمه علی‌حسینی^{۳*}

۱. استادیار، گروه حقوق دانشگاه لرستان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.
۲. استادیار، گروه روان‌شناسی دانشگاه لرستان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: falihosseini07@gmail.com

دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۵ ویرایش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۵ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۸ انتشار: ۱۴۰۴/۰۱/۰۱

چکیده

زمینه و هدف: خانواده در جامعه به‌عنوان اصیل‌ترین نهاد اجتماعی می‌باشد که با گذشت زمان تغییرات اجتماعی تا حدودی روی این نهاد تأثیر گذاشته است. اما از دیرباز تاکنون همیشه قدرت و ریاست بر خانواده مهم‌ترین ویژگی قابل مطالعه این نهاد مهم بوده است.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه به روش تحلیلی-توصیفی عمل شده است.

ملاحظات اخلاقی: تمامی اصول اخلاقی در نگارش این مقاله رعایت شده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: مباحث این پژوهش نشان می‌دهد که مطابق قانون، ریاست خانواده به‌عنوان وظیفه‌ای اجتماعی در جهت صلاح اندیشی خانواده و حمایت از اعضای آن برعهده مرد است و علت آن به‌طورکلی، خصوصیت‌های متفاوت مرد و ادای نفقه و تأمین هزینه‌های اعضای خانواده و ضرورت اذن او و حقوقی است که قانون برای او به‌عنوان رئیس خانواده در نظر گرفته است. همچنین از نظر روان‌شناسی بر اساس وجود بعضی از صفات ذاتی در مردان، همچون احساس مسؤولیت، اقتدارگرایی و... مردان گزینه مناسب‌تری برای ریاست خانواده محسوب می‌شوند و این موضوع با احساس رضایت از زندگی و آرامش روانی اعضای خانواده بی‌ارتباط نخواهد بود.

کلمات کلیدی: زن، مرد، ریاست، خانواده.

مقدمه

نهاد خانواده به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بنیان‌های جامعه، در میان صاحب نظران علوم مختلف از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و یکی از ابعاد مهم این نهاد، مسأله مدیریت و نقش رهبری در خانواده است. فارغ از نظرات مفسران و اندیشمندان مختلف اسلامی، این موضوع یکی از موضوعات مهم، حساس و چالش برانگیز حقوق خانواده است.

بدون تردید رهبری و مدیریت دسته جمعی، که زن و مرد مشترکاً آن را به عهده بگیرند، مفهومی ندارد بلکه در واقع به معنای فقدان مدیریت، در چنین نهاد مهمی است. به تجربه ثابت شده است که وجود دو مدیر در یک نهاد از نداشتن مدیر زیانبخش‌تر است و هرج و مرج را به دنبال خواهد داشت، علاوه بر این، اگر میان پدر و مادر بر سر مسائل خانواده، اختلاف و کشمکش باشد، طبق نظر کارشناسان، فرزندان که در چنین خانواده‌ای، تربیت می‌شوند، دچار خلأهای روحی خواهند شد. لذا در پرتو قانون، ابتدا باید معین نمود که مدیریت خانواده بر عهده کدام یک از اعضای خانواده است و در مرحله دوم، علت و مبنای اعطای چنین مدیریتی به آن عضو برگزیده از نظر حقوقی و روان‌شناسی چه خواهد بود؟ در این نوشته تلاش می‌شود که با بیان مصادیق حقوقی اعم از مالی و غیر مالی و همچنین ویژگی‌های شخصیتی متفاوت زن و مرد از جمله قدرت جسمانی، کلی یا جزئی بودن زاویه دید، میزان تأثیرات روحی از مسائل پیرامون و... دلایل اعطای این ریاست به مرد یادآوری و برخی از ابهامات موجود در این زمینه مرتفع شود.

۲- روش پژوهش: توصیفی-تحلیلی**بحث و نظر****۱- مصادیق حقوقی ریاست مرد بر خانواده**

ریاست مرد بر خانواده دارای مبانی و دلایل حقوقی است، که در دو قسم، به مبانی حقوقی مالی و مبانی حقوقی غیر مالی می‌پردازیم.

۱-۱- مصادیق حقوقی مالی

حقوق مالی، حقوقی است که متعلقشان مال باشد. حقوق مالی غالباً از آن زن است. مبانی حقوقی مالی ریاست مرد بر خانواده

حقوقی است که پس از ازدواج و فرزند آوری برای زن و فرزندان ثابت می‌شود؛ و شامل پرداخت‌هایی است، که مرد به‌عنوان رئیس خانواده، برعهده دارد (سجادی امین، ۱۳۸۸: ۱).

۱-۱-۱- الزام به پرداخت نفقه

نفقه در لغت به معنای خرج کردن است؛ یعنی نام‌اشیایی است، که مرد برای خانواده‌اش خرج می‌کند؛ زیرا نفقه‌ای که مرد برای همسر و فرزندان خرج می‌کند، به شکلی از مال وی خارج می‌شود. از آنجا که زن در ازدواج دائم مسؤولیت‌هایی را به عهده دارد که توان جسمی او را می‌طلبد و فرصتی را از او می‌گیرد؛ این حق برای او قرار داده شده است (مشکوه، ۱۳۸۳: ۱۷). فرزندان نیز با توجه به تولد در خانواده و مسؤولیت مالی پدر، مستحق چنین امتیازی به‌عنوان نفقه خواهند بود. بنابراین همانطور که در هر نهاد، فردی که ریاست را بر عهده دارد، نیازهای مالی سایر اعضای آن نهاد را تأمین می‌کند، مرد نیز به‌عنوان رئیس خانواده، موظف است که نیازهای متعارف همسر و فرزندان را در قالب نفقه پرداخت نماید.

۱-۱-۱-۱- الزام به پرداخت نفقه همسر

پرداخت نفقه توسط شوهر یکی از آثار عقد نکاح دائم است، که در قانون مدنی طی ماده ۱۱۰۶ به آن اشاره شده است. امروزه بسیاری از زنان نه تنها خود را نیازمند انفاق شوهر نمی‌بینند بلکه در تأمین هزینه‌های زندگی مشترک، مشارکت دارند؛ اما با شروع زندگی مشترک، رئیس خانواده مسؤولیت پرداخت نفقه را برعهده دارد (کلباسی، ۱۴۰۲: ۱۸). نفقه، به تأمین هزینه‌های متعارف خانم گفته می‌شود که توسط همسر او صورت می‌گیرد. تمامی هزینه‌هایی که مربوط به خوراک، پوشاک، مسکن و... می‌باشند، جزو نفقه به حساب می‌آیند. پرداخت نفقه از سوی مرد بایستی به‌صورت ماهیانه باشد. (جوانمرد، ۱۴۰۳: ۲). ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی نیز، نفقه و ماهیت آن را بیان کرده است. در دکتترین حقوق تعاریف چندی ارائه شده است. بعضی معتقدند که نفقه عبارت است از "چیزی که برای گذران زندگی لازم و مورد نیاز باشد" (امامی و صفایی، ۱۳۷۸: ۱۸۷).

نفقه به زنی تعلق دارد که از شوهر خود تمکین کند؛ یعنی نیازهای متعارف او را برآورده کند، مثلاً به‌صورت دائم در منزل شوهر اقامت داشته باشد. در این مورد حقوقدانان با استناد به

اگر به هر دلیلی اجداد پدری، توانایی پرداخت نفقه نوه‌ها را نداشته باشند، پرداخت نفقه وظیفه مادر است.

امام خمینی ره نیز در بحث نفقه فرزندان، ابتدا نفقه فرزند اعم از پسر یا دختر را بر پدر واجب می‌داند و در صورت فوت یا فقر پدر، بر جد پدری واجب می‌داند (امام خمینی، ۱۳۸۴: ۷۲). پس حکم وجوب نفقه فرزند بر عهده پدر است، که تأمین مالی اعضای خانواده را متعهد شده است (زحیلی، ۱۴۱۸: ۳۶۱). در خصوص اینکه نفقه فرزندان تا چه سنی باید پرداخت شود، ماده صریحی وجود ندارد و قانونگذار، پرداخت و دریافت نفقه را به صورت کلی بیان کرده است، لذا در این مورد، مطابق عرف عمل می‌شود.

۱-۱-۲- الزام به پرداخت خسارات ناشی از اقدام فرزندان

مسئولیت مدنی، گونه‌ای از مسئولیت می‌باشد که بر مبنای آن رابطه دینی بین زیان‌دیده و شخص مسؤل، به واسطه زیان وارده بدهکار می‌شود. در کنار مسئولیت مدنی شخصی، گونه دیگری از مسئولیت مدنی وجود دارد که بر پایه آن شخص می‌بایست زبانی را که به وسیله شخص دیگر به شخص سومی وارد گردیده است را جبران کند. مسئولیت مدنی والدین در نتیجه خسارات ناشی از اقدام فرزندان، مصداق بارزی از مسئولیت ناشی از عمل دیگری می‌باشد. ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ در مورد اعمال زیانبار فرزندان، کسی را مسؤل می‌شناسد که نگهداری از آن‌ها را بر عهده دارد. والدین اشخاصی هستند که قانوناً مکلف به مواظبت از فرزندان خود هستند و در صورت ورود خسارت توسط فرزندان، ملزم به جبران آن هستند. مطابق قانون، ل پرداخت خسارات ناشی از اقدام فرزندان با پدر خانواده خواهد بود، زیرا مردان وظیفه تأمین مخارج خانواده را برعهده دارند و پرداخت خسارت نیز، نمونه‌ای از مخارج به بار آمده توسط فرزندان است (ره گشای و سلیمانیان، ۱۳۹۶: ۹۸-۱۰۰).

۱-۱-۳- الزام به پرداخت اجرت‌المثل زن

خانواده یک واحد حقوقی است که از یک زن و مرد که بین آن‌ها رابطه زوجیت وجود دارد ناشی می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۲۵۶). زندگی خانوادگی بر پایه گذشت و فداکاری بنا شده است معمولاً مردان برای رفاه خانواده کار می‌کنند و زنان

ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی بیان می‌دارند که زن در اثر عقد مستحق نفقه می‌شود و نشوز مانع استحقاق نفقه است و چنانچه زن با ارائه قبالة ازدواج تقاضای نفقه نماید شوهر ملزم به پرداخت می‌باشد مگر این که نشوز زن را اثبات نماید (امامی، ۱۳۷۰: ۴۵۶). یعنی اگر زن بدون عذر موجه حاضر نشود که با شوهر خود در یک منزل زندگی کند یا از ادای وظایف زناشویی امتناع ورزد، ناشزه محسوب و از دریافت نفقه محروم خواهد شد (کاردوانی و وکیلی، ۱۳۹۹: ۲۴۴).

همچنین مطابق ماده ۱۱۹۸ و ۱۳۹۷ قانون مدنی، نفقه زن مشروط به فقر زن یا تمکن مرد نیست، زن حتی اگر ثروتمند باشد می‌تواند از شوهر نفقه طلب کند. درحالی‌که برای نفقه اقارب، وجوب نفقه از یک طرف مشروط به فقر نفقه گیرنده است و از طرف دیگر مشروط به تمکن منفق می‌باشد؛ زیرا نفقه زوجه از نوع تعهد معاوضی است (نجفی، ۱۳۶۶: ۳۶۵/۳۱). یا به نظر بعضی، حق مالی است که در مقابل تمکین واجب شده است؛ برخلاف نفقه اقارب که از باب وجوب مواسات است (شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۴۷۶). لذا اگر شوهر از دادن نفقه زن خودداری نماید، زوجه می‌تواند از طریق دادگاه وی را ملزم کند و در صورت عدم امکان الزام او به انفاق، مطابق ماده ۱۱۲۹ قانون مدنی و بند ۲ ماده ۸ قانون حمایت خانواده، زن حق دارد از دادگاه تقاضای طلاق نماید (امامی و صفایی، ۱۳۷۴: ۱۸۰).

۱-۱-۲-۱-۱- الزام به پرداخت نفقه فرزندان

از نظر قانون هزینه‌هایی که پدر برای فرزند می‌کند، همان نفقه فرزند است. این نفقه شامل تمامی مسائل مادی و معنوی می‌باشد که قانونگذار، پرداخت آن را توسط پدر الزام آور دانسته است. قانون مدنی در ماده ۱۱۶۸ بیان کرده است که، پدر و مادر نسبت به نگهداری فرزندان حق و تکلیف دارند، از نظر قانون پدر وظیفه دارد، مخارج فرزندان را پرداخت کند. همچنین پدر نمی‌تواند به اختیار خود از موقعیتی که دارد بگذرد زیرا ریاست او بر خانواده مربوط به نظم عمومی است (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۶۷۶). البته اگر پدر در قید حیات نباشد یا در صورت عدم توانایی او به انفاق، مطابق ماده ۱۱۹۹ قانون مدنی، اجداد پدری وظیفه پرداخت مخارج نوه‌های خود را دارند؛ با این حال

عرف باید اجرت داشته باشند (سبحانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۷؛ چک‌پندی نژاد و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۵۴).

۱-۱-۳-۲- اجرت‌المثل زن ناشی از شیر دادن به فرزندان
شیردهی رابطه دوسویه میان مادر و کودک است که این رابطه میان مادر و فرزند، علاوه بر ضرورت آن در تغذیه و سلامت جسمانی کودک، در تکوین شخصیت کودک، رشد عاطفی و سلامت روان او نیز مؤثر است. از طرفی شیردهی به فرزند ضمن ایجاد آرامش روانی مادر، ارزشمندی اخلاقی دارد که قابل چشم پوشی نیست (کاظمی، مشایخی، ۱۴۰۱: ۱۳۳-۱۳۴).

ماده ۱۱۷۶ قانون مدنی مقرر می‌دارد که "مادر مجبور نیست که به طفل خود شیر بدهد". یکی از صاحب نظران در حقوق مدنی می‌نویسد: "چون شیر دادن احتمال دارد باعث زیان مادر شود و نوعی فداکاری است، حقوق این انتظار را از مادر ندارد. شیر دادن به واقع "حق" مادر است، اگر بخواهد از این حق استفاده کند پدر یا مقام عمومی نمی‌تواند مانع او شود، ولی هرگاه مایل نباشد، اجبار او امکان ندارد" (کاتوزیان، ۱۴۰۲: ۱۴۳/۲).

البته در صورتی که مادر برای شیر دادن کودک خود اجرت مطالبه کند اجرت او از مال کودک در صورت دارایی پرداخت می‌گردد و در غیر این صورت، پدر از باب نفقه اقارب خواهد پرداخت و اگر دارایی نداشته باشد، مادر از باب نفقه اقارب ملزم است مجاناً کودک خود را شیر دهد یا به دیگری واگذار کند و اجرت بپردازد (امامی، ۱۴۰۱: ۱۸۸/۵-۱۸۹). همچنین مطابق ماده ۱۱۷۶ قانون مدنی، عدم جواز اجبار مادر برای شیر دادن به کودک، مشروط به این است که، تغذیه کودک با غیر شیر مادر ممکن باشد، در غیر این صورت اجبار وی منعی ندارد. بنابراین در صورتی که تغذیه طفل با شیر دیگری یا شیر خشک موجب ناراحتی یا بیماری کودک شود، مادر نمی‌تواند از شیر دادن به فرزند خود استنکاف نماید و ملزم به آن می‌گردد، زیرا در این صورت حفظ نفس، منوط به آن است (امامی، ۱۴۰۱: ۱۸۹/۵).

در خانه با انجام امور خانه‌داری سعی در ایجاد محیطی آرام برای خانواده دارند. اگر شوهر دستور انجام کارهایی را به زن بدهد که شرعاً و قانوناً تکلیفی به انجام آن‌ها ندارد، قانون اقتضا می‌کند که عمل زن محترم و اجرت مناسب به او پرداخت شود (حاتمی و زبرجد، ۱۳۹۴: ۶۵).

۱-۱-۳-۱- اجرت‌المثل زن ناشی از انجام کارهای منزل
در حقوق اسلام و ایران، زوجین در زندگی زناشویی وظایف معینی نسبت به یکدیگر دارند. از این وظایف تحت عنوان تمکین بحث می‌شود. زوجه غیر از این تکالیف، وظایف دیگری در قبال شوهرش ندارد. بنابراین، چنانچه زوجه، غیر از وظایف زناشویی، به دستور شوهر کاری را انجام دهد، درحالی که برای آن کار عرفاً حق الزحمه‌ای تعلق گیرد، استحقاق دریافت حق الزحمه آن را دارد (انصاری‌پور، ۱۳۸۴: ۱). زن تکلیفی به نظافت منزل، پختن غذا و... ندارد و اگر چنین نماید در واقع نیکی نموده است و می‌تواند عوض این کارها را از همسرش دریافت نماید.

تبصره ماده ۳۳۶ قانون مدنی مقرر می‌دارد، چنانچه زوجه کارهایی را که شرعاً به عهده وی نبوده و عرفاً برای آن کار اجرت‌المثل باشد، به دستور زوج و با عدم قصد تبرع انجام داده باشد و برای دادگاه نیز ثابت شود، اجرت‌المثل کارهای انجام گرفته را محاسبه و به پرداخت آن حکم می‌نماید. لازم به ذکر است که مطالبه اجرت‌المثل نیازمند طرح دعوی طلاق نمی‌باشد و زن حتی در حین زندگی با همسر می‌تواند برای انجام کارهای انجام شده، اجرت مطالبه نماید و دادگاه طبق نظر کارشناس، اقدام به تعیین و حکم به پرداخت این مبلغ می‌نماید (جوانمرد، ۱۴۰۳: ۶).

قانون اساسی اجبار افراد به کاری معین و بهره‌کشی از کار دیگری را منع کرده است (بند "۴" اصل چهارم و سوم قانون اساسی). برخی مقررات بین‌المللی نیز مؤید این امر هستند (مواد ۲۳ و ۲۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر و مواد ۶ و ۷ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی). مطابق آیه ۴ سوره نساء، ارزش کار مرد و زن مورد احترام است (جعفری، ۱۳۸۵: ۱)؛ فقها مبانی حق دریافت اجرت‌المثل زن را قاعده احترام به عمل انسان می‌دانند، به این دلیل که این کارها در

۱-۲-۲- مصادیق حقوقی غیر مالی

حقوق غیرمالی در روابط خانوادگی، امتیازهایی است که به مال و منافع تعلق نگرفته و قابل تقویم و مبادله به پول نیست (مولائی، ۱۳۹۱: ۶). ذیل این عنوان می‌خواهیم در خصوص مصادیق و نمونه‌هایی از ریاست مرد بر خانواده را بررسی کنیم؛ زیرا مصادیق ریاست مرد بر خانواده، محدود به امور مالی نمی‌شود. حقوق غیرمالی مرتبط با ریاست مرد بر خانواده، عبارتند از:

۱-۲-۱- داشتن حق اذن در نکاح دختر باکره

امروزه با بالا رفتن سن ازدواج و سطح تحصیلات دختران، برخی بر این باورند که دختران برای ازدواج نیازی به اذن پدر ندارند درحالی‌که مطابق ماده ۱۴۰۳ مدنی یکی از مواردی که دختر باکره باید اجازه پدر یا جد پدری را احراز کند، ازدواج است. از آن جا که زنان از قوه احساسات و عاطفه بالایی برخوردار بوده و با ابراز محبت مردان به سرعت جذب آن‌ها شده، ممکن است به ازدواج به‌صورت عقلانی نگاه نکنند. به همین جهت کسب اجازه از پدر، در ازدواج دختر باکره ضروری است. همچنین در بسیاری از فرهنگ‌ها، اذن پدر به‌عنوان رئیس خانواده، می‌تواند ضامنی برای انتخاب‌های دختر در راستای مصالح خانوادگی و اجتماعی باشد (سجادی امین، ۱۳۸۷: ۱).

۱-۲-۲- الزام به حمایت فیزیکی و عاطفی از اعضای خانواده

حمایت عاطفی روشی کلامی یا غیر کلامی است که ما آگاهانه از آن برای نشان دادن مراقبت و محبت خود به دیگران استفاده می‌کنیم. مرد به‌عنوان رئیس و صاحب اقتدار، این وظیفه را بر عهده دارد که با پشتیبانی عاطفی از اعضای خانواده به آن‌ها احساس ارزشمندی بدهد. مرد با این رفتار کمک می‌کند تا اعضا بهتر با موقعیت‌های دشوار زندگی کنار بیایند (مورگان و دیگران، ۱۳۷۸: ۱/۴۲۲).

۱-۲-۳- داشتن حق تعیین مسکن

حق سکونت از جمله حقوق بشر شمرده می‌شود و در اعلامیه حقوق بشر هم آمده است که هر انسانی حق دارد بر روی کره زمین، مکانی را برای زندگی انتخاب کند (ایزدی فرد و

همکاران، ۱۴۰۱: ۹۵-۹۶). یکی از موارد اختلاف زوجین، مربوط به مسکن پس از ازدواج است. اگر زوجین نتوانستند به نتیجه یکسانی برسند، قانون مدنی بیان می‌کند که حق تعیین مسکن با شوهر است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۲۵۷). طبق ماده ۱۱۱۴ قانون مدنی اعطای اختیار تعیین مسکن به شوهر به‌عنوان حقی مستقل شناخته شده است و به تمکین زن یا انجام عملی توسط او منوط نشده است. (صفایی و قاسم زاده، ۱۳۸۸: ۱۲۵). از منظر رویه قضایی حق تعیین مسکن شامل حق تعیین شهر محل سکونت و تعیین منزل و منطقه سکونت می‌باشد.^۱

۱-۲-۴- داشتن حق اذن برای خروج زن از کشور

با آنکه حاکمیت از آن خداوند متعال است و اصل بر عدم سلطه انسان بر انسانی دیگر است؛ اما یکی از مصادیق ریاست، حق اذن مرد برای خروج زن از کشور است. ریشه قانونی این حق، بند ۳ ماده ۱۸ قانون گذرنامه مصوب سال ۱۳۸۲ است. لازم به ذکر است که قانونگذار با اعمال سخت‌گیری در این خصوص، خروج زن از کشور را موکول به اذن کتبی شوهر دانسته است؛ که این اذن کتبی، نه به شکل عادی بلکه به شکل رسمی از طریق فرم‌های چاپی مخصوص و با شکل یکسان در دفاتر اسناد رسمی، قابل اعلام است (سیفی زیناب و شاهمرادی زواره، ۱۳۹۸: ۲۲۱).

۱-۲-۵- داشتن حق طلاق

حق طلاق اختیار برهم زدن پیوند زناشویی است. اراده و اختیار طلاق با مرد است و زن تنها در موارد احصا شده در قانون حق طلاق دارد. طلاق، ایقایی است که با اراده مرد قابل انجام است و این حق، در ایران تنها برای مردان به رسمیت شناخته شده است (طالب احمدی، ۱۳۹۱: ۹۳). در اسلام آمده است که علاقه و محبت زن، معلول به علاقه و محبت مرد است. از این رو بی‌علاقگی و بی‌وفایی مرد نسبت به زن، پایان زندگی زناشویی است؛ اما در صورتی که سردی و بی‌علاقگی از سوی زن باشد، مرد می‌تواند با ابراز محبت و علاقه، علاقه زن را بازگرداند. بدترین اهانت و تحقیر یک زن این است که مرد با وجود بی‌علاقگی او را مجبور به ادامه زندگی کند. بر همین

^۱ - رأی شماره ۷۶۶، شعبه ششم دیوان عالی کشور.

اساس حق طلاق در اختیار مرد قرار داده شده است (شهید مطهری، ۱۳۵۳: ۵۳).

لازم به ذکر است که مرد می‌تواند وکالت در طلاق را به همسر خود اعطا کند. البته این اختیار برای زنان علاوه بر فوایدی که برای زنان دارد می‌تواند استحکام و پایداری خانواده را با مشکل مواجه کند. زیرا در زندگی زن و مرد سزاوار آن است که زن سعی در حفظ زندگی و شوهرداری داشته باشد امام علی علیه السلام در بخشی از حکمت ۱۳۶ نهج البلاغه جهاد زنان را شوهرداری شایسته دانسته است. لذا آنچه زنان در برابر مشکلات خانه‌داری و اعتراضات و زخم زبان‌های شوهر تحمل و بردباری نشان دهند جهاد مهمی را انجام داده‌اند (جوانمرد، ۱۴۰۱: ۱). حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «خدوند جهاد را بر مردان و زنان واجب کرده و جهاد زن در این است که در برابر آزاری که از شوهرش می‌بیند و در برابر تعصبات و حساسیت‌های او صبر پیشه کند».

۲- مبانی روان‌شناختی ریاست مرد بر خانواده

بدون تردید رهبری و مدیریت دسته جمعی، که زن و مرد مشترکاً آن را به عهده بگیرند، مفهومی ندارد بلکه در واقع به معنای فقدان مدیریت، در چنین نهاد مهمی است. علاوه بر این، اگر میان پدر و مادر بر سر مسائل خانواده، اختلاف و کشمکش باشد، طبق نظر کارشناسان، فرزندان، دچار خلاءهای روحی خواهند شد (اسلام پور کریمی، ۱۳۸۱: ۱).

در ادوار گذشته تفاوت میان مرد و زن در دو عامل کلی «عقل» و «احساسات» خلاصه می‌شد اما امروزه، برخی از دانشمندان و محققان برای زن و مرد دنیای جداگانه‌ای قائل شدند (مطهری، ۱۳۵۳: ۱۶۶-۱۶۷). آشنایی با دوگانگی‌های بین زن و مرد، مستلزم آشنایی با ویژگی‌های روان‌شناختی شخصیت آن‌ها، از جمله کلی یا جزئی نگر بودن، تغییرات هورمونی، توانایی جسمانی، میزان تأثیرات روحی از مسائل، تمایل یا عدم تمایل به داشتن حامی، نحوه گفتار، خواهد بود که به هر کدام به صورت جداگانه می‌پردازیم.

۲-۱- ویژگی‌های روان‌شناختی شخصیت زن

زنان بخشی از جامعه را تشکیل می‌دهند و اکثریت افراد فکر می‌کنند زنان موجوداتی پیچیده هستند و شناخت آنها را تقریباً، غیر ممکن می‌دانند درحالی‌که این‌گونه نیست، زن موجودی لطیف و ظریف با اخلاقیات و روحیات منحصر به فرد است، که به آن اشاره خواهیم کرد.

۲-۱-۱- جزئی نگر بودن شخصیت زن و عدم تناسب آن با مدیریت

تفکر جزئی نگر در زنان به معنای توجه بیشتر به جزئیات و نکات ریز در موقعیت‌های اجتماعی، عاطفی و حتی موقعیت‌های حرفه‌ای است. این نوع تفکر می‌تواند ناشی از ترکیبی از عوامل زیستی، اجتماعی و فرهنگی باشد. بیابید به برخی جوانب و تأثیرات این نوع تفکر در زنان پردازیم:

• عوامل بیولوژیکی

عوامل بیولوژیکی از جمله عوامل مؤثر در تفاوت‌های زنان و مردان می‌باشد که شامل هورمون‌ها و ساختار مغزی است. هورمون‌هایی مانند استروژن می‌توانند بر نحوه پردازش اطلاعات تأثیر بگذارند. برخی تحقیقات نشان می‌دهند که زنان به دلیل سطوح بالای استروژن، ممکن است در پردازش عاطفی و توجه به جزئیات اجتماعی بهتر عمل کنند (Gurely & McDonald, 2008:12).

• عوامل اجتماعی و فرهنگی

عوامل اجتماعی و فرهنگی شامل نقش‌های اجتماعی و انتظارات جامعه است. زن‌ها معمولاً از دوران کودکی تشویق می‌شوند تا به روابط عاطفی و اجتماعی توجه بیشتری داشته باشند. همچنین در جامعه انتظار می‌رود که زنان در مواردی مانند پرستاری، تدریس و خدمات اجتماعی، توجه بیشتری به جزئیات عاطفی و ارتباطی داشته باشند. این انتظارات به رفتارهایشان شکل می‌دهد و آن‌ها را به سمت تفکر جزئی نگر سوق می‌دهد (Eagly & Wood, 1999:411). زنان تمایل دارند در تعاملات اجتماعی به دیالوگ‌ها توجه بیشتری داشته باشند. این دقت به جزئیات در ارتباطات می‌تواند به آن‌ها کمک کند تا درک بهتری از حالات عاطفی دیگران پیدا کنند (Fischer & Manstead, 2000:68).

• تأثیر بر تصمیم‌گیری

زنان ممکن است در فرآیند تصمیم‌گیری، بیشتر به جزئیات توجه کنند و از اطلاعات دقیق‌تر بهره‌برداری کنند. این نوع تجزیه و تحلیل دقیق می‌تواند به آنها کمک کند تا تصمیمات بهتری در زمینه‌های شخصی و حرفه‌ای بگیرند. با این حال، این ویژگی می‌تواند باعث شود که آنها در شرایطی دچار تحلیل بیش از حد اطلاعات یا عدم توانایی در تصمیم‌گیری سریع شوند (McClure, 2000:419).

• نگرانی‌ها و چالش‌ها

توجه زیاد به جزئیات می‌تواند منجر به نگرانی یا اضطراب بیشتری در زنان شود زیرا ممکن است آن‌ها به جنبه‌های منفی یا احتمالات نادرست بیشتر توجه کنند. در برخی موارد، این نوع تفکر می‌تواند به مشکلاتی در مدیریت زمان یا اولویت‌بندی منجر شود، به‌ویژه در شرایطی که نیاز به تصمیم‌گیری سریع وجود دارد. این نوع تفکر به‌ویژه در زنان می‌تواند عوارض و اثرات منفی همچون اضطراب و نگرانی، تحلیل بیش از حد، فکر کردن به سناریوهای منفی و... را به دنبال دارد (Lang & Bradley, 2010:584).

۲-۱-۲- تغییرات متعدد هورمونی در دوران بارداری، شیردهی و عدم تناسب آن با مدیریت

تغییرات هورمونی در زنان می‌تواند تأثیرات منفی بر مدیریت خانواده داشته باشد. این تغییرات معمولاً به دلیل چرخه‌های قاعدگی، بارداری، زایمان و دوران یائسگی رخ می‌دهند و می‌توانند بر جنبه‌های مختلف زنان تأثیر بگذارند. به‌عنوان نمونه، سندروم پیش از قاعدگی (PMS) در زنان که عمده‌ترین دلیل آن، برهم خوردن تعادل هورمونی بدنی می‌باشد. در این دوره افزایش استروژن و کم شدن پروژسترون، تجمع مایعات در بدن و... می‌تواند از علت‌های به وجود آورنده سندروم پیش از قاعدگی باشد. این سندروم می‌تواند باعث ظهور علائم خلقی مانند تحریک‌پذیری، اضطراب، تنش، خلق حساس، به راحتی گریه کردن و... باشد (عزیزی و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۹).

تأثیرات ناشی از تغییرات هورمونی در زنان در دوران مختلف به‌صورت خلاصه عبارتند از:

• نوسانات خلق و خو

نوسانات هورمونی می‌تواند منجر به تغییرات ناگهانی در خلق و خو شود. این موضوع می‌تواند باعث تنش در روابط خانوادگی و دشواری در مدیریت روابط با اعضای خانواده گردد و گرمی کانون خانواده را تحت تأثیر قرار دهد. طبیعتاً چنین نوساناتی در همه افراد تا حدودی وجود دارد؛ اما در زنان اغلب بیشتر خواهد بود (Butterworth, 2010: 1150).

• خستگی و کاهش انرژی

در برخی از مراحل همچون چرخه قاعدگی یا در دوران بارداری یا PMS، زنان ممکن است با خستگی و کاهش انرژی مواجه شوند؛ به گونه‌ای که از انجام فعالیت‌های معمول و روزانه زندگی ناتوان شوند. این موضوع می‌تواند تأثیر منفی بر توانایی آن‌ها در انجام وظایف و مسؤولیت‌های خانوادگی داشته باشد. و در فرض مدیریت زنان بر خانواده، در چنین موقعیت‌هایی خستگی و کاهش انرژی ناشی از مراحل نام برده، می‌تواند مدیریت و کنترل خانواده را با چالش مواجه کند (Frisch & McArthur: 703).

• افزایش اضطراب و استرس

تغییرات هورمونی می‌تواند در برخی از زنان، به‌ویژه در دوران یائسگی یا پیش از قاعدگی، باعث تشدید اضطراب و استرس شود که می‌تواند تأثیر منفی بر مدیریت خانه و تعامل با اعضای خانواده داشته باشد. در چنین حالتی این استرس و اضطراب، اغلب به سایر اعضا نیز انتقال خواهد یافت و آرامش موجود در خانواده را با اختلال مواجه خواهد کرد (Kuehner, 2017:149; Rudolph & Hammen, 1999:419).

۲-۱-۳- ضعف جسمانی و عدم تناسب آن با مدیریت

امام علی (ع) در نامه ۳۱ کتاب نهج البلاغه ه معرفی برخی از ویژگی‌های زن پرداخته است آن حضرت در این کلام فرمود: «وَلَا تَمْلِكُ الْمَرْأَةُ مِنْ أَلَمِ مَا جَاوَزَ نَفْسَهَا فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ» (ابن طیفور، بی‌تا: ۱۷۲)، ایشان در این کلام زن را به‌عنوان گل بهاری معرفی می‌نمایند که نباید کارهای طاقت فرسا و سخت را به او واگذار کرد. مطابق کلام امام علی زن مانند گیاهی خوشبو است که باید از بوی خوش آن بهره مند

شد و سزاوار نیست که با محول کردن کارهای دشوار و نیازمند قدرت فیزیکی او را پزمرده نمود (خوانساری، ۱۳۶۶: ۳۱۸).

امام علی (ع) از واژه "ریحانه" برای توصیف زن استفاده کرده‌اند؛ ریحانه بودن زن، به این معناست که او تمام خصوصیات گل بهاری را دارد. بنابراین وجود همسری مهربان برای او ضروری است تا مراقب این موجود ظریف باشد که پزمرده نشود (برقی، ۱۳۸۳: ۱۴۱). با توجه به سخنانی که درباره ظرافت و لطافت زن و عدم واگذاری کارهای دشوار به او بیان شد نباید اینگونه تلقین نمود که زن توانایی انجام کارهای سخت همچون ریاست بر خانواده را ندارد بلکه اعطای ریاست به مرد به منظور حفظ ظرافتی است که خداوند در ذات زنان قرار داده است (صادق دخت، ۱۴۰۰: ۱۳-۱۲).

۲-۱-۴- تأثیرات کثیر روحی و عاطفی از مسائل پیرامون و حوادث و عدم تناسب آن با مدیریت

زن‌ها به‌طور طبیعی سرشار از احساسات هستند. به‌عنوان مثال زن‌ها حتی اگر کسی را کمی هم دوست داشته باشند، چنان نشان می‌دهند که او را بسیار دوست دارند و این ناشی از بالا بودن میزان عواطف و احساسات در آن‌ها است. با توجه به غالب بودن این احساسات، آن‌ها معمولاً تأثیرات روحی زیادی را در مواجهه با مسائل و حوادث، تجربه می‌کنند. زنان ممکن است در اثر فشارهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، مشکلات فردی یا تأثیرات روحی و عاطفی ناشی از مسائل پیرامونی و حوادث، چالش‌های جدی در مدیریت خانواده ایجاد کنند (حسین زاده، ۱۳۹۱: ۶۵).

بخشی از نشانه‌های ظاهری، مانند هیجان‌پذیری زودرس در زنان، زود به گریه افتادن و خندیدن آن‌ها، از عاطفی‌تر بودن آنان حکایت می‌کند (حسینی، ۱۳۸۱: ۴۳۴). همچنین نقش مادری و انجام کارهایی مانند تربیت فرزند که به عاطفه و مهربانی فراوان نیازمند است شاهد دیگری بر وجود روحیه عاطفی در زنان است. اموری مانند فرماندهی مدیریت از جمله مدیریت خانواده و سایر کارهایی که تناسب چندانی با روحیات و عواطف زن ندارند به او واگذار نمی‌شوند (مقدس، ۱۳۹۴: ۹۰).

۲-۱-۵- تمایل به داشتن حامی قدرتمند و عدم تناسب آن با مدیریت

زنان ذاتاً علاقه مند به دوست داشته شدن، مورد توجه قرار گرفتن، ابراز علاقه و داشتن حامی و پشتیبان هستند. موضوع تمایل زنان به داشتن حامی قدرتمند، یک موضوع پیچیده و چند بعدی است که تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارد. این تمایل در بسیاری از جوامع، به دلیل نقش‌های جنسیتی سنتی و انتظارات اجتماعی شکل می‌گیرد. در این جوامع، زنان ممکن است به دلیل نابرابری‌های اقتصادی، اجتماعی و حتی فرهنگی، به دنبال داشتن یک حامی یا ناظر قدرتمند باشند. حمایت اشکال گوناگونی دارد، از جمله حمایت برای انجام وظایف روزانه حمایت مالی و فکری در موقعیت‌های دشوار و مراقبت و همدلی در بحران‌های عاطفی که فرد با آن مواجه است (Glanz & Rimer, 2008:193).

زنان در کنار تمایل به حمایت‌گری از طرف همسر، سعی می‌کند هویت همسرانه و مادرانه خود را در کنار این تمایل به حمایت‌شدن، حفظ کنند. مدیریت خانواده، نیازمند مجموعه‌ای از مهارت‌ها و ویژگی‌های مدیریتی است، که در برخی موارد با تمایل به داشتن حامی قدرتمند همخوانی ندارد. معمولاً زن بیشتر در نقش مادر و همسر در نظر گرفته و از قدرت تصمیم‌گیری در سطح کلان محروم می‌شود. در چنین شرایطی، این نابرابری‌های قدرت می‌تواند به تداخل با نقش زن به‌عنوان مدیر خانواده منجر شود. ناگفته نماند که اگرچه مدیریت خانواده به مرد واگذار شده است، اما نباید نقش مدیریتی زن را در ایفای وظایفی همچون همسرمداری، خانه‌داری و تربیت فرزند نادیده گرفت (علیرضا نژاد و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۰۷).

۲-۱-۶- گفتار خواهشی، عاطفی و مفصل و عدم تناسب آن با مدیریت

زنان در هنگام گفت و گو و بگومگوهای مختلف، مسائل منطقی را با عواطف و احساس‌های خود در هم می‌آمیزند و از رفتارهای کلامی و غیر کلامی خود بیشتر و قوی‌تر استفاده می‌کنند. گفتار خواهشی، عاطفی و مفصل در زنان یکی از ویژگی‌های رایج در ارتباطات آن‌هاست. این نوع گفتار اغلب

هدف‌های کلی، می‌توانند تصمیماتی بگیرند که به رشد و موفقیت کلی خانواده کمک کند (Kaplan, 1995:70). همچنین تفکر کلی نگر به مردان این امکان را می‌دهد که وظایف و مسؤولیت‌ها را بر اساس اهمیت و فوریت آن‌ها اولویت‌بندی کنند. این باعث می‌شود زمان خود را به‌طور مؤثرتر مدیریت کنند و انرژی‌شان را صرف کارهای اصلی نمایند. علاوه بر این مردان با داشتن یک دید کلی، مردان می‌توانند تمرکز خود را بر روی مسائل کلیدی حفظ کرده و از پرداختن به جزئیات غیرضروری خودداری کنند (Covington & Omelich, 1988:168). بنابراین تفکر کلی نگر می‌تواند به مردان در مدیریت خانه کمک کند تا به شکلی مؤثر و مؤثر به نیازهای خانواده پاسخ دهند. این نوع تفکر شامل توانایی برنامه‌ریزی استراتژیک، مدیریت زمان، سازگاری با تغییرات، بهبود ارتباطات و تسهیل در تصمیم‌گیری می‌باشد.

۲-۲-۲- عدم تغییرات هورمونی قابل توجه و تناسب آن با مدیریت

هورمون‌ها مولکول‌هایی هستند که در مغز و سایر بخش‌های بدن حرکت می‌کنند. تستوسترون هورمون جنسی در مردها است. اما مغز جنس مذکر مملو از سایت‌های گیرنده هورمون غالب خود، یعنی تستوسترون است. تستوسترون بیشتر به معنای افسردگی کمتر و پرخاشگری بیشتر است. به همین دلیل است که اغلب مردان نسبت به زنان پرخاشگرتر هستند و افسردگی و حالت‌های هیجانی همچون گریه ناراحتی و... را در مواجهه با مسائل و حوادث دارند. بنابراین مردان، کمتر عواطف و احساسات را در تصمیمات خود دخیل می‌کنند و در بحث مدیریتی می‌توانند تصمیم‌گیرنده‌های بهتری باشند (گوریان، ۱۳۸۲: ۱۲۵).

۲-۲-۳- قدرت جسمانی و تناسب آن با مدیریت

مردان از لحاظ نیرو قوی‌تر از زن‌ها هستند و برای انجام کارهای سنگین توانایی بیشتری دارند. از نظر بیولوژیکی، توده عضلانی مردان ۵۰ درصد بیشتر از توده عضلانی زنان است و این بدین معناست که زنی که هم سایز مرد همتای خود است تنها ۷۰ درصد وی قدرت عضلانی دارد. قدرت جسمانی مردان، متناسب با مدیریت بر خانواده است، که به آن‌ها اعطا شده

به‌عنوان ابزاری برای برقراری ارتباط نزدیک‌تر، نشان دادن احساسات و نیازها یا درخواست‌هایی با لحنی غیرمستقیم استفاده می‌شود. درحالی‌که این نوع گفتار ممکن است در روابط فردی و اجتماعی مفید باشد، اما در زمینه مدیریت و رهبری خصوصاً مدیریت خانواده، می‌تواند با چالش‌هایی همراه باشد که ممکن است به تناسب نرسد.

گفتار خواهشی به معنای درخواست‌های مؤدبانه یا به کار بردن زبان غیرمستقیم برای درخواست چیزی است. این نوع گفتار، در روابط روزمره به زنان کمک می‌کند تا درخواست‌های خود را بدون ایجاد مخالفت‌های جدی مطرح کنند. گفتار عاطفی در زنان، به این معناست که آن‌ها معمولاً در ارتباطات خود از ابراز احساسات بیشتری نسبت به مردان استفاده می‌کنند. در موقعیت‌های مدیریتی، تأکید زیاد بر جنبه‌های احساسی می‌تواند موجب شود که تصمیمات بر پایه احساسات شخصی گرفته شوند، نه بر اساس تحلیل منطقی و داده‌ها. گفتار مفصل یا توصیفی، به‌ویژه در زنان، ممکن است به این دلیل باشد که آن‌ها تمایل دارند جزئیات بیشتری را در اختیار دیگران قرار دهند. این نوع گفتار، در موضع مدیریتی، ممکن است زمان‌بر باشد و توجه بیش از حد به جزئیات، می‌تواند موجب سردرگمی یا از دست دادن هدف اصلی شود. مدیرانی که به‌طور مفصل توضیح می‌دهند، ممکن است در موقعیت‌هایی که نیاز به تصمیم‌گیری سریع و مؤثر است، موفق نباشند (اعلمی و صباح، ۱۳۹۱: ۱۰-۱۱).

۲-۲-۴- ویژگی‌های روان‌شناختی شخصیت مرد

مردان که بخشی از جامعه را تشکیل می‌دهند، ویژگی‌های کاملاً منحصر به فردی نسبت به زنان دارند. ویژگی‌های آنها کاملاً متناسب با ویژگی‌های یک مدیر است و به عبارتی همین ویژگی متفاوت آن‌ها نسبت به زنان باعث اعطای ریاست خانواده به آن‌ها شده است. این ویژگی‌ها عبارتند از:

۲-۲-۱- کلی نگر بودن شخصیت مرد و تناسب آن با مدیریت

تفکر کلی نگر به مردان کمک می‌کند تا تصویر بزرگ‌تری از وضعیت خانواده و نیازهای آن داشته باشند. این به آن‌ها امکان می‌دهد تا برنامه‌ریزی بلندمدت و استراتژیک‌تری برای مدیریت منابع و زمان داشته باشند. همچنین مردان با تمرکز بر

با حوادث کنار می‌آیند؛ زیرا آنان در مواجهه با مسائل، تمایل دارند که راه‌حل‌محور باشند این رفتار به ظاهر "مصونیت" آنان از مسائل عاطفی تعبیر می‌شود. این ویژگی در مردان، متناسب با نقش مدیریتی آن‌ها در خانواده می‌باشد، زیرا در صورت بروز مسائل و مشکلات در خانواده می‌توانند کنترل‌گر و حل‌کننده مسائل باشند (گری، ۱۳۹۲: ۳۰).

۲-۲-۵- عدم تمایل به داشتن حامی قدرتمند و تناسب آن با مدیریت

مردان ذاتاً دوست دارند نقش حامی و قهرمان را داشته باشند و از آنجا که خودشان، شخصیت حمایتگری دارند، طبیعتاً تمایلی به داشتن حامی قدرتمند ندارند. همچنین بسیاری از مردان، برای حفظ عزت نفس و هویت خود، تمایل دارند به‌طور مستقل مشکلات را حل کنند. چرا که وابستگی به حمایت قدرتمند، ممکن است با تصویر مردانه‌ای که در جامعه از آنان انتظار می‌رود، مغایر باشد. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که ترجیح دادن تفکر به احساس و علاقمندی به رهبری مخصوص مدیران کارآمد است. حمایت مردان می‌تواند شامل مسؤولیت‌پذیری مالی، فراهم کردن امنیت جسمی یا کمک به ایجاد فضای آرام برای خانواده باشد. (فیست، ۱۳۹۵: ۱۹۳).

۲-۲-۶- گفتار تأکیدی، امری و مختصر و تناسب آن با مدیریت
مردان معمولاً در هنگام گفت و شنود، جر و بحث و بگو مگوها، بدون اینکه عواطف و احساسات خود را بروز دهند، می‌توانند خویشتن‌دار باشند، منطقی سخن بگویند و مستقل از احساسات خود عمل کنند. گفتار تأکیدی به این معناست که، اغلب مردان تمایل دارند بر نکات اصلی تأکید کنند و این ممکن است شامل تکرار یک پیام خاص یا تأکید بر اهمیت موضوعی باشد. هدف از این گفتار، جلب توجه و تأکید بر اهمیت مسأله است. به‌عنوان مثال: «این کار باید دقیقاً همین‌طور انجام شود.»

آمرانه بودن گفتار مردان، معمولاً بدون استفاده از اصطلاحات غیرمستقیم است. مثلاً: «در را ببند.» این سبک از ارتباط می‌تواند به این دلیل باشد که آنان معمولاً ترجیح می‌دهند به جای بحث‌های مفصل، سریع‌تر به نتیجه‌گیری برسند. این سبک از گفتار در مردان، می‌تواند با نقش مدیریتی آنان در خانواده تناسب داشته باشد. گفتار تأکیدی، کمک می‌کند تا مسائل مهم

است. زیرا قدرت جسمانی مردان، به‌طور سنتی در بسیاری از جوامع، به‌عنوان ابزاری برای حفاظت و حمایت از خانواده تلقی می‌شود. این قدرت می‌تواند نمادی از استحکام و اطمینان برای خانواده باشد (حسین زاده، ۱۳۹۱: ۶۳).

آیه ۳۴ سوره نساء، بیانگر نوعی تفاوت ذاتی در آفرینش زن و مرد و برتری مرد بر زن است. مفسران برتری در آیه را به قدرت بازو و توان بیشتر مرد در چیره شدن بر دشواری‌ها و تحمل مشکلات و فشارها، معنا کرده‌اند (طباطبایی، بی‌تا: ۳۴۳) البته باید توجه داشت که چون برتری مرد بر زن در این امور، امری طبیعی و بی‌اختیار و مربوط به آفرینش اوست، برتری شمرده نمی‌شود (جعفری، ۱۳۸۴: ۳۴۷). این امر به‌عنوان یک اصل در بحث خانواده می‌باشد. یکی از آثار مترتب بر این اصل، قوامیت مرد است که لازمه آن، پذیرش سرپرستی مرد در خانواده می‌باشد. مطابق این اصل منصب‌هایی همچون رهبری و مدیریت، که نیازمند توان جسمی بالا می‌باشد، اغلب به مردان واگذار شده است و ریاست خانواده نیز از این اصل مستثنی نخواهد بود (طباطبایی، بی‌تا: ۳۴۷).

۲-۲-۴- تأثیرات قلیل روحی و عاطفی از مسائل پیرامون و حوادث و تناسب آن با مدیریت

بر اساس تحقیقات تنها ۱۵ درصد مردان از فشار روانی رنج می‌برند. این که مردان تأثیرات روحی و عاطفی کمتری از مسائل و حوادث پیرامون می‌گیرند، ادعایی است که به نحوه واکنش و پردازش احساسات آنان بازمی‌گردد. تأثیرات روحی و عاطفی کمتر در مردان نسبت به زنان، تا حد زیادی، ناشی از نقش هورمون‌ها و ساختار مغز آنان است. زیرا تستوسترون و سایر هورمون‌های مردانه، ممکن است در تنظیم احساسات تأثیرگذار باشند. به‌طور کلی، تخلیه احساسی در مردان کمتر است و آن‌ها معمولاً خودگرا، خودجوش، سکوت‌گرا و انزواطلب هستند. البته این بدان معنا نیست که مردان بدون احساس و عواطف هستند؛ بلکه میزان و نحوه بروز آن متفاوت از زنان است (گری، ۱۳۹۲: ۳۸).

این تفاوت‌ها می‌تواند شدت واکنش‌های عاطفی را کاهش یا نحوه بیان آن‌ها را تغییر دهد. مردان در مواجهه با مسائل و حوادث کمتر تحت تأثیر قرار می‌گیرند و به مراتب زودتر از زنان

عنوان نقص محسوب نمی‌شود، اما تناسب چندانی با ریاست زن بر خانواده ندارد.

همانطور که زنان ویژگی‌های مخصوص به خود را دارند، مردان نیز از یک سری ویژگی‌هایی که مربوط به شخصیت خودشان هست برخوردارند. مردان در این ویژگی‌ها در نقطه مقابل زنان قرار دارند. به‌عنوان مثال آن‌ها برخلاف زنان اغلب کلی نگر هستند و به مسائل به‌صورت جزئی توجه نمی‌کنند. آن‌ها تغییرات هورمونی کم و غیرقابل توجهی را تجربه می‌کنند؛ همچنین نسبت به زنان قدرت جسمانی بیشتری دارند و از آنجا که احساسات در آن‌ها کم رنگ‌تر است، معمولاً کمتر تحت تأثیر عاطفی روحی نسبت به مسائل قرار می‌گیرند. گفتار مردان اغلب مختصر و همراه با تأکید و دستور است؛ همچنین آنها تمایلی به داشتن حامی ندارند، زیرا علاقمند به حمایت‌گری هستند و خودشان را حامی می‌دانند. این ویژگی‌ها در مردان تناسب زیادی با وظیفه مدیریتی آن‌ها در خانواده دارد؛ زیرا این خصایص و ویژگی‌ها لازمه مدیریت بر هر نهادی از جمله خانواده می‌باشد.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

تعارض منافع: در این مقاله هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله مشترکاً توسط نویسندگان صورت گرفته است.

تشکر و قدردانی: از کلیه کسانی که در معرفی منابع و تهیه این مقاله ما را یاری رساندند، تشکر و قدردانی می‌نماییم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش فاقد تأمین کننده مالی بوده است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- قرآن کریم
- نهج البلاغه.

به‌طور واضح و شفاف مطرح شوند. گفتار امری باید توسط مردان، با دقت و در مواقع ضروری به کار گرفته شود. همچنین گفتار مختصر، در مدیریت خانواده بسیار مؤثر است، زیرا کمک می‌کند تا پیام‌ها سریع و مؤثر منتقل شوند. (اعلم و صباح، ۱۳۹۱: ۱۴).

نتیجه‌گیری

دریافتیم که یکی از دلایل اعطای ریاست خانواده به مرد، حقوق مالی است که بر عهده او قرار داده شده است. از آنجا که مرد وظیفه تأمین مالی و پرداخت هزینه‌های همسر و فرزندان را در قالب نفقه، پرداخت خسارات ناشی از اقدامات فرزندان، پرداخت اجرت‌المثل زن، اعم از اجرت‌المثل کارهای منزل و اجرت‌المثل ناشی از شیر دادن را بر عهده دارد و ملزم به پرداخت این هزینه‌ها است؛ لذا ریاست خانواده نیز به او واگذار شده است؛ چرا که کسی که تأمین مالی اعضای دیگر را بر عهده دارد، عملکرد بهتری را به‌عنوان رئیس و مدیر خواهد داشت.

مردان علاوه بر حقوق مالی، یک سری حقوق غیرمالی را نیز دارا هستند. این حقوق که فاقد جنبه مالی است، توسط قانونگذار برای مرد در نظر گرفته شده است. مطابق قانون، مرد دارای حق اذن و تصمیم‌گیری در مورد نکاح دختر باکره‌اش می‌باشد و همچنین حق طلاق و حق تعیین و انتخاب مسکن و اذن برای خروج همسر از کشور را نیز دارد. بنابراین برخورداری از چنین حقوقی، نشان دهنده این است که مرد دارای حقوق و اختیارات زیادی در خانواده می‌باشد و طبیعتاً مدیر و رئیس، در هر نهادی از جمله خانواده، کسی است که از اختیارات زیادی برخوردار است.

از نظر علم روان‌شناسی زنان از ویژگی‌هایی برخوردارند که در صورت ریاست مدیریت و ریاست آنها را با چالش‌هایی مواجه می‌کند. جزئی نگر بودن زن، تغییرات متعددی که در دوران مختلف تجربه می‌کند و منجر به نوسانات خلقی و روحی او می‌شود، ضعف از نظر جسمانی، غالب بودن احساسات و تأثیرات کثیر روحی و عاطفی از مسائل، تمایل و علاقمندی به داشتن حامی قدرتمند، نحوه گفتار او که همراه با خواهش و به‌صورت مفصل است؛ از جمله ویژگی‌هایی است که به هیچ

- جبعی عاملی، زین الدین (شهید ثانی) (۱۴۱۰). *الروضه البهینه فی شرح اللمعه الدمشقیه*. قم: نشر داوری.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۶). *ترمینولوژی حقوق*. تهران: نشر گنج دانش.
- جعفری، عباس (۱۳۸۵). «بررسی حقوق مالی زوجه در موارد صدور حکم طلاق به درخواست زوج». *مجله دادرسی*، ۱۰(۵۷): ۲۸-۳۵.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۸۴). *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*. تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
- جوانمرد، لیلا (۱۴۰۱). *نقش زنان در جهاد تبیین*.
- جوانمرد، لیلا (۱۴۰۳). *تحلیل مصادیق حقوق مالی زنان ایرانی در خانواده از دیدگاه حقوقی و روان‌شناسی*.
- چهکندی نژاد، علی؛ رضوی، سید محمد و طاهری، علی اکبر (۱۴۰۱). «تأملی فقهی و حقوقی در اجرت‌المثل زوجه و نقد تبصره الحاقی ماده ۳۳۶ ق.م.». *فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی*، ۴(۳): ۱۴۹-۱۶۷.
- حاتمی، علی اصغر و زبرجد، فاطمه (۱۳۹۴). «اجرت‌المثل ایام زوجیت و نحله با نگرشی بر قانون حمایت خانواده مصوب اسفند ۱۳۹۱». *مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز*، ۷(۱): ۶۰-۹۸.
- حسین‌زاده، علی (۱۳۹۱). «تفاوت‌های زن و مرد نقش و کارکرد آن». *ماهنامه معرفت*، ۲۱(۱۷۴): ۶۱-۷۱.
- حسینی، هادی (۱۳۸۱). *کتاب زن*. تهران: نشر امیرکبیر.
- خوانساری آقاجمال، محمد بن حسین (۱۳۸۲). *شرح غرر الحکم*. تهران: نشر آرین.
- رهگشای، لیلا و سلیمانین، محمد هادی (۱۳۹۶). «مسئولیت مدنی والدین در قبال فعل زیان بار اطفال». *ماهنامه پژوهش ملل*، ۲(۲۴): ۹۷-۱۱۱.
- ابن طیفور، احمد بن ابی طاهر (بی‌تا). *بلاغات النساء*. قم: نشر شریف الرضی.
- ابن علی، معشوق؛ ثانون، ترور؛ لاتون، کلاویو؛ منسکی، برنر؛ مورگان، پگی و نسبیت، النور (۱۳۷۸). *اخلاق در شش دین جهان*. ترجمه محمدحسین وقار، تهران: نشر اطلاعات.
- اسلامپور کریمی، عسکری (۱۳۸۲). «فلسفه ریاست شوهر بر خانواده». *فرهنگ کوثر*، ۵۶.
- اعلمی، منیژه و صباح، مریم (۱۳۹۱). «جنسیت و تفاوت گفتمان: بررسی نشانه‌های گفتمانی در مکالمات روزمره سخنوران زن و مرد فارسی زبان». *فصلنامه پژوهشی زبان و ادب فارسی*، ۴(۱۰): ۲-۲۲.
- امامی، اسدالله و صفایی، سید حسین (۱۳۷۴). *حقوق خانواده*. تهران: نشر دانشگاه تهران.
- امامی، اسدالله و صفایی، سید حسین (۱۳۷۸). *مختصر حقوق خانواده*. تهران: نشر دادگستر.
- امامی، سید حسن (۱۳۷۰). *حقوق مدنی*. جلد چهارم، تهران: نشر اسلامیه.
- امامی، سید حسن (۱۴۰۱). *حقوق مدنی*. جلد پنجم، تهران: نشر اسلامیه.
- انصاری پور، محمدعلی (۱۳۸۴). «اجرت‌المثل کارهای زوجه و نقد آرای محاکم در این زمینه». *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، ۴۱.
- ایزدی فرد، علی اکبر؛ باباجانین پیشه، حلیمه و فقیهی، علی (۱۴۰۱). «حق تعیین مسکن توسط همسر». *فصلنامه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای*، ۳(۲): ۱۴۹-۱۶۷.
- برقعی، زهره (۱۳۸۳). «جایگاه حقوقی زن در نهج البلاغه». *فصلنامه پژوهش‌های نهج البلاغه*، ۹-۱۰: ۱۳۵-۱۷۰.

- زحیلی، وهبه بن مصطفی (۱۴۱۲). *التفسیر المنیر فی العقده والشریعه والمنهج*. جلد دوم، بیروت: دارالفکر المعاصر.
- سبحانی، یوسف؛ افلاطون اسفندیاری؛ مهنی، جلالی فر، فاطمه و رضایی استخروییه، مصطفی (۱۳۹۷). «بررسی حق دریافت اجرت‌المثل فعالیت‌های زوجه و امکان جمع آن با حقوق مالی ویژه طلاق». *فصلنامه مطالعات زن و خانواده*، ۲(۲): ۵۹-۸۸.
- سجادی امین، مهدی (۱۳۸۷). «اذن ولی در ازدواج باکره». *نشریه حورا*، ۴(۲۹).
- سجادی امین، مهدی (۱۳۸۸). «حقوق مالی زوجه». *نشریه حورا*، ۵(۳۳).
- سیفی زیناب، غلامعلی و شاهمرادی زواره، مهرانگیز (۱۳۹۸). «مطالعه تطبیقی حقوق غیرمالی زوجه در حقوق ایران و فرانسه». *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، ۲۲(۸۶): ۲۱۷-۲۴۰.
- صادق دخت، زهرا (۱۴۰۰). *ویژگی‌های زن از دیدگاه امام علی (ع) و ارتباط آن با جایگاه و نقش او در جامعه*. به راهنمایی دکتر پرویز آزادی. تهران: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره).
- صفایی، سید حسین و قاسم‌زاده، مرتضی (۱۳۸۸). *حقوق مدنی، اشخاص و محجورین*. تهران: نشر سمت.
- طالب احمدی، حبیب (۱۳۹۱). «ماهیت حقوقی طلاق خلع». *مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز*، ۴(۲): ۹۱-۱۱۵.
- طباطبایی، محمدحسین (بی‌تا). *تفسیر المیزان*. قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
- عزیزی، لیلا؛ جاسمی زرگرانی، مونا؛ رستمی، رضا (۱۳۹۳). «عملکرد شناختی، سیستم عصبی و هورمون‌ها در زنان مبتلا به سندرم». *نشریه رویش روان‌شناسی*، ۳(۸): ۸۷-۱۲۲.
- علیرضا نژاد، سهیلا؛ بلوری، مژگان و سوادیان، پروین (۱۳۹۹). «حمایت اجتماعی و باز تعریف هویت زنان همسر از دست داده به مثابه مادر». *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه توسعه اجتماعی*، ۱۱(۴۵): ۸۱-۱۱۶.
- فیست، جس (۱۳۹۵). *نظریه‌های شخصیت*. ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران: نشر روان.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۴). *قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی*. جلد سوم، تهران: نشر میزان.
- کاتوزیان، ناصر (۱۴۰۲). *دوره حقوق مدنی خانواده*. جلد دوم، تهران: نشر گنج دانش.
- کاردوانی، راحله و وکیلی، مهدی (۱۳۹۹). «بررسی جایگاه نفقه زوجه در تحقق عدالت اجتماعی». *مجله پژوهش‌های حقوقی*، ۱۹(۴۲): ۲۳۹-۲۶۹.
- کاظمی، سید مهدی؛ و مشایخی، زهرا (۱۴۰۱). «مطالعه تطبیقی حق بر شیردهی و تغذیه با شیر مادر». *نشریه مطالعات راهبردی زنان*، ۲۵(۹۸): ۱۳۳-۱۵۶.
- کلباسی، فهیمه (۱۴۰۲). «نفقه زوجه و جایگاه آن در تأمین نیازهای مالی زن». *دو فصلنامه مطالعات تطبیقی فقه و اصول مذهب*، ۶(۱): ۱۸۵-۲۱۲.
- گری، جان (۱۳۹۲). *مردان مریخی، زنان ونوسی*. ترجمه رحمتی، مشهد: نشر باران.
- گری، جان (۱۳۹۲). *مردان مریخی، زنان ونوسی*. ترجمه لوئیز عنذلیب، تهران: نشر فرهنگ اندیشمندان.
- گوریان، میشل (۱۳۸۲). *شگفتی دختران*. ترجمه مهدی قراچی داغی، تهران: نشر آرین.
- مشکوه، سید حمید (۱۳۸۳). «نفقه زن». *فصلنامه فقه*، ۱۱(۴۸): ۱۷-۶۰.

- مطهری، مرتضی (۱۳۵۳). *نظام حقوق زن در اسلام*. تهران: نشر صدرا.
- مقدس، فاطمه (۱۳۹۴). *اشتراک و تفاوت‌های تکوینی زن و مرد*. رساله ارشد به راهنمایی دکتر عباس حاجی‌ها. ساری: دانشگاه پیام نور.
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۸۴). *تحریر الوسیله*. ترجمه علی اسلامی و قاضی‌زاده. قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- مولایی، مهناز (۱۳۹۱). *حقوق غیرمالی زوجین با تأکید بر ضمانت‌های اجرایی آن در فقه و حقوق اسلام*. رساله ارشد به راهنمایی دکتر مرتضی حاجی‌پور. آذربایجان: دانشگاه شهید مدنی آذربایجان.
- نجفی، محمدحسن (۱۳۷۸). *جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام*. تهران: المکتبه الاسلامیه.
- ب. منابع انگلیسی**
- Butterworth, G. W. (2010). "Hormones and mood: A guide to understanding hormonal influences and their effects on moods". *Journal of Women's Health*, 19(6): 1143-1153.
- Covington, M. V., & Omelich, C. (1998). "Self-regulated learning: The role of self-efficacy and task difficulty". *Educational Psychologist*, 23(3): 165-178.
- Eagly, A. H., & Wood, W. (1999). "The origins of sex differences in human behavior: Evolved dispositions versus social roles". *American Psychologist*.
- Fischer, A. H., & Manstead, A. S. R. (2000). "Gender differences in emotional communication: An interpersonal perspective". *Emotion*.
- Frisch, R. E., & McArthur, J. W. (1974). "Menstrual cycles: fatness, fitness, and fertility". *Nature*, 252(5482): 701-704.
- Glanz, K., Rimer, B. K., & Viswanath, K. (Eds.). (2008). *Health behavior and health education: Theory, research, and practice*. Jossey-Bass.
- Gurley, L. J., & McDonald, K. (2008). "The influence of hormone levels on women's cognitive processing". *Psychoneuroendocrinology*.
- Kaplan, S. (1995). "The role of perception in the effectiveness of planning". *International Journal of Strategic Management*, 16(1): 62-75.
- Kuehner, C. (2017). "Why Do Women Suffer from Depression More Than Men? The role of gender-related factors". *The Lancet Psychiatry*, 4(2): 146-158.
- Lang, P. J., & Bradley, M. M. (2010). *Emotion and motivation*. In *Handbook of emotions*. New York: Guilford Press.
- McClure, J. (2000). "Gender differences in the development of children's cognitive processing". *Journal of Experimental Child Psychology*.
- Rudolph, K. D., & Hammen, C. (1999). "Age and gender as predictors of depressive symptoms: a longitudinal study of adolescent". *The Journal of Abnormal Psychology*, 108(2): 41